

۹۲/۲

۹۲/۲

۱۶۷۳۱

مجله	جهان دانش
تاریخ نشر	فروردین ۱۳۴۱
شماره	۳
شماره مسلسل	
محل نشر	کرمان - مدرسه معصومیه
زبان	فارسی
نویسنده	محمد رضا مدنی کرمانی
تعداد صفحات	۷ - (۱۳۳ - ۱۳۹)
موضوع	مسافرت‌های کیهانی
سرفصلها	قرآن و علم زمن از نور آس
کیفیت	
ملاحظات	

۹۲/۲

دکتر محمد صادقی

مسافرت‌های گیهانی

تاکنون چندین پرسش گوناگون در پیرامون مسافرت‌های گیهانی و اینکه نظردین و قرآن درباره آن چیست از نگارنده شده است. پاسخ کلی این گونه سؤالات اینست که قرآن کتاب تعلیم و تربیت است و در باره اکتشافات علوم مادی بشر وظیفه‌ای بر عهده ندارد و اینکه برخی از نویسندگان مذهبی مانند طنطاوی اهتمام دارند که نظرات و بلکه صرفاً فرضیه‌های علوم مادیرا بر آیات قرآنی تحمیل کنند باین پندار که خدمتی معلوم قرآنی کنند، پس خطا و ناروا است - زیرا قرآن هرگز پیرو نظرات پر خطای بشری نیست و چنانچه سخنی در باره حقیقتی مادی داشته باشد حق نظر و محور افکار دانشمندانست زیرا علم الهی خدای علوم است.

آری وما اوتینکم من العلم الا قلیلاً - بشر را از علم مطلق تنها روزنه‌ای اندک بیش نیست چنانکه علمای مادی نیز باین حقیقت اعتراف دارند - و از جمله علم بشر را بی‌کدانه ریزش در جزیره‌ای

بزرگ‌گ تعبیر و تشبیه نموده اند (۱).

شکی نیست که قرآن از رهگذر بیان حقایقی تربیتی نقاب از چهرهٔ مرموز جهان ماده نیز برداشته و بدینوسیله افکار دانشمندان را بحدود جلب کرده است - جز آنکه اساس دعوت این کتاب آسمانی تهذیب و تربیت روحی و تنظیم زندگی آرام در دو جهانست و هوس اینکه از تمامی جزئیات پیشرفت‌های مادی بشر پیش بینی کرده باشد بی اساس می‌باشد.

با این مقدمه بکلی بایستی نظر تحمیل را از قرآن بدور داشته و صرفاً در خود آیات دقت و بررسی کرد

قرآن به منظور ازدیاد معرفت دستور صریح برای سیر و سفر نظری و بدنی در جو پهن‌آور کیهان داده و از جمله فرماید: قل انظر و اما ذا فی السموات و الارض و ما تغنی الایات و النذر عن قوم لایؤمنون . ای پیامبر! بگردمان بگو نظر کنند چه چیزهائی در آسمانها و زمین است - و نشانه‌های الهی و پیامبران حق برای تاریک‌دلان سودی نمی‌بخشد.

آری آن کور‌دلان که بجز سود مادی نمی‌جویند و بجز راه توسعه زندگی حیوانی نمی‌پویند دل‌هایشان قابل تابش انوار معرفت الهی نیست - آیهٔ فوق مطلق نظر در موجودات کیهانی را مورد امر قرار داده است و روی این اصل چنانچه نخستین کاروان مسافرین

کیهانی از خدا پرستان باشند چه بهتر که از این رهگذر بعظمت آفریدگار بهتر و بیشتر پی ببرند و بر معرفت خود بیفزایند.

اما منکران خدا (از قبیل کمونیست‌ها) سوقاتشان در مراجعت از اینگونه مسافرت‌ها - افزون شدن کفر و الحاد است که: از جاذبه زمین پرواز کردیم و خدا و فرشتگان را ندیدیم!

زبان بسته‌ها پندارند که خدای جهان در آسمان جای دارد و یا قابل رؤیت است بشر که راه هنوز بیش از یکثانیه نوری (۱) از منزل خود دور نشده اینگونه بخود مغرور است تا چه رسد بهنگامیکه برمرکزی از مراکز تمدنهای آسمانی دست یابد.

هنوز علم بشر نتوانسته است دریابد که: آیا در اینکرات آسمانی نیز موجودات عاقل و مراکز تمدنی وجود دارد یا نه. بلکه در کشف شرائط زندگی در آنعالم هنوز گیراست ولی یگانه شاکره مکتب قرآن حضرت امیرمنان در حدود چهارده قرن پیش طوری از ستارگان سخن می‌گوید که گوئی خود نیز بدانسانها مسافرت کرده است.

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی از پدرش از ابن ابی عمیر از بعضی اصحاب از حضرت صادق علیه السلام است که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ان لهذه النجوم التي في السماء مدائن مثل المدائن التي في الارض مربوطة كل مدينة الى عمود مربوط من نور طول ذلك العمود في

(۱) يك ثانيه نوری سیصد هزار کیلومتر است و فاصله خورشید

از زمین هشت دقیقه یعنی ۹۵۰ میلیون کیلومتر میباشد

السماء مسیره مآتی و خمسين سنة .

برای این ستارگان که در آسمانست، شهرستان‌هاییست مانند شهرهای زمین که هر کدام با ستوانه‌های نورانی ارتباط دارند که طول آن در آسمان دویست و پنجاه سالست .

چیزی که فعلاً از این سخن مفهوم میشود - وجود مراکز تمدنست در برخی ستارگان، و پرروشن است که مراکز تمدن مستلزم وجود موجودات عاقل و متمدنست، زیرا در غیر این صورت تمدن مفهومی ندارد .

فعلاً ارتباطاتی که این شهرستانها با ستوانه های نوری دارند ، و همچنین معنی سالدر آسمان برای ما مفهوم نیست .

اینکه جای این پرسش است که آیا اهالی این شهرستانها از ما خبری دارند و یا در آینده تماس میان ما و آنها خواهد بود یا نه ؟

قرآن در آیاتی چند از این رمز نقاب گرفته و گذشته از اینکه مانند فرمایش امیر مؤمنان از موجودات عاقل آسمانی سخن بمیان آورده ، از مسافرت‌های متقابل کیهانی نیز پیش بینی میکند :

قال تعالی : ومن آیاته خلق السموات والارض وما بث فیهما من دابة وهو علی جمیعها اذا یشاء قدیر ، الشوری - ۲۹

و از نشانه‌های قدرت و علم بینهایت پروردگار، آفرینش آسمانها و زمین و موجودات زنده و عاقلی است که در آنها پراکنده و او هر گاه بخواهد بر جمع این پراکنده ها توانا است .

دابه از نظر لغت حیوانی را گویند که راه می‌رود . در مقابل

پرنده‌گان و فرشتگان، و از اینکه ضمیر جمع عاقل (هم) در جمعهم، به دابة برگشته چنان مستفاد میشود که جمع آینده مربوط با گذشته عاقل از چندگان آسمانی و زمینی است.

و از اینکه لفظ جمع پس از واث آمده، چنان مینماید که جمع در اینجا در انحصار جمع رستاخیز نیست بلکه جمع این پراکندگی که بر طرف ساختن فاصله‌های دور و بیخبری است نیز منظور نظر است.

دور نمای این آیه پس از بررسی کامل اینستکه: اینفاصله‌های دور که احیاناً بالغ بر میلیونها سال نورست، بقدرت الهی در آینده بر طرف میشود. نه آنکه زمین و ستارگان بهم نزدیک و همسایه شوند بلکه مسافرت‌های متقابل کیهانی آغاز شود اما کدام کاروان گوی سبقت خواهد بود و دیدار از کدامیک از مراکز تمدن کیهانی آغاز میشود؟ هنوز چیزی در این باره نمیدانیم - اینهم که دانستیم از برکت وحی الهی است و الا بشر هنوز از نزدیکترین همسایگان خود دیدن نکرده - و تنها بدور منزل و مسکن خود بگردش آمده است.

از ما می پرسند: نظر قرآن در وضع جبرکت یا سبک بودن بریان جایگاه زمین چیست؟ و نگارنده در کتاب (ستارگان) از نظر قرآن - درباره زمین و آسمان و ستارگان، آغاز آفرینش و وضع فعلی و رستاخیز و فناء آنها از نظر قرآن سخنانی دارد - و این کتاب در دست طبع است - ولی درین مختصر درباره پرواز زمین آیه‌ای از نظر خوانندگان می گذرانم:

قال تعالی : الم نجعل الارض کفئاتاً احياءاً وامواتاً

(المرسلات - ۲۵)

کیهان پیمای ما :

کفات از نظر لغت (۱) سرعت پرواز پرنده را گویند در حالی که بالهای خود را جمع کند روی این اصل زمین پرنده‌ای سریع السیر است که در جو پهن‌آور کیهان دائم در پرواز می‌باشد اما بالهای این پرنده کدامست که زنده و مرده را با جمع کردن آن بالها بر گرده خود حفظ می‌کند - کفئاتاً - احياءاً وامواتاً .

این پرنده بالهای محسوسی ندارد - ولی نیروی مرموز جاذبه هم خود او را از سقوط در عمق جو نگاه داشته و هم سر نشینانش را در این سیر سریع همیشگی از پرتاب شدن نگهبانست .

از جمله سر نشینانی که نگهبانی از او رز بقاء زندگی بر گرده این کیهان پیمای است فضای تنفس یعنی اکسیژن موجود در هوا می‌باشد که بشعاع یکصد کیلو متر زمین را احاطه کرده - طبع این عنصر صعود است ولی نیروی جاذبه زمین بطوری این ماده حیاتی را بر خود جذب کرده که هیچگاه هوس فرار ندارد و تمامی موجودات زنده مروهون این ماده حیاتی می‌باشند .

اما جایگاه زمین - گرده ماهی یا شاخ گاو نیست این فضا نورد در جاده فضائی آنچنان معقولانه در حرکت است که گوئی چرخهایش بجاده‌های فضائی کوفته شده چنانکه از امیر مؤمنان در نهج البلاغه

۱- از مفردات القرآن راغب قرن پنجم هجری تا کتب لغت فعلی

است آنکه :

فانشأ الارض فامسكها من غير اشتغال وارساهاعلى غير قرارو
 رفعها بغير دعائم واقامها بغير قوائم
 خدا زمين را آفريد - و آن را باراده خود نگهبان نشد . نه آنکه
 بحال خود وا گذارد . آنرا کوبيدنه بر جاى گاهه معينى (يعنى برجاده
 هاى فضائى آنچنان منظم بحرکت آورد که گوئى بر آنها کوفته شده)
 بلند کرد آنرا بدون استوانه ها و نگهداشت بدون پايه ها و
 پس جاى گاه زمين شاخ گاو نيست - بلکه در جو بيکران سر
 گردان و باراده الهى بر محورى معين در گردش است و هوالموفق للصواب

آقای سید محمد خلیل قوام (ناجی)

امروز قهرمان جهان الجزائر است

امروز قهرمان جهان الجزائر است	الهام بخش حق طلبان الجزائر است
امروز هر کجا که زاحراد محفلی است	با احترام، ورد زبان الجزائر است
همراه خشم توأم بسالمن بر فرنگ	ورد زبان بیرو جوان الجزائر است
آزادی و شرف بجزائر حلال باد	چون افتخار سیر زمان الجزائر است
آزادی آنکه اعظم نعماء حق بود	آنجا که هست در خور آن الجزائر است
آمنتمتی که داده بس آزادی و شرف	جان از طریق دادن جان الجزائر است
آنجا که قطره قطره خون بجاهدان	سازد جزائری بجهان الجزائر است
آزادگان بحکم شرف جنبشی کنید	چون جانب شما نگران الجزائر است
منت خدا یرا است که بمامو کب ظفر	هر روز و شب عتبان الجزائر است
تعظیم کن قوام باین جنبش و قیام	کامروز قهرمان جهان الجزائر است